

تیتراهای امروز

راز سرت نقشه جنگ تمام عیار آمریکا و کره جنوبی علیه کره شمالی چیست؟

**جنگ نامرئی
سئول با واشنگتن**

صفحه ۱۵

**حذف شرط سربازی
برای اخذ گواهینامه**

تشریح جزئیات اجرای طرح توسط سردار کمالی

صفحه ۴

وزیر ارتباطات خبر داد

**اجرای رجیستری
موبایل از آخر مهر**

صفحه ۳

محمدجواد ظریف:

**اقدام علیه سپاه
آمریکار از دملت
ایران منفورتر می کند**

صفحه ۲

نوسان شدید ارز
روز گذشته هم ادامه داشت

**واکنش سیف:
چیزی نیست**

صفحه ۳



حمید بعیدی نژاد: دری اصفهانی از اعضای تیم مذاکرات هسته‌ای نبود

چرا مدال گرفت؟

صفحه ۲

حاج حسین و پسران

باید «حسین همدانی» را دیدا و ناظر بر خامنه‌ای هم! و ناظر بر انقلاب اسلامی هم! و ناظر بر جمهوری اسلامی هم! و ناظر بر نهضت هم! و ناظر بر نظام هم! و ناظر بر سیستم هم! معایب از آن ناحیه سرمی‌زند که مدیر مملکت، کیلومترها دور از مفاهیم مکتب حسین علیه‌السلام، کرپلارا درس مذاکره می‌خواند! از همین زاویه است که آن یکی روزنامه زنجیره‌ای می‌آید و رنگ لوگوی خود را با پرچم لعین تکفیری ست می‌کند! این دقیقاً خروجی درس مذاکره دانستن کرپلای ابا عبدالله است! در این مکتب آلوده به ذلت، نه عجب که جای «عباس» و «شمر» عوض شود! علمدار ما در سنی قریب به ۷۰ سال، قید زن و بچه و امن و آمان را می‌زند و دل به خطر می‌زند تا تروریست‌ها را در همان سنگرهای ابتدایی‌شان متوقف نگه دارد تا از شمال شهر گرفته تا جنوب شهر، هرگز سایه وحشی‌گری داعش بر سر آبادی‌های این مرزوبوم کهن نیفتد، آن وقت شهید که می‌شود، روزنامه‌نگار عاری از انصاف زنجیره‌ای، هم از شائش می‌کاهد و هم از شهادتش! و آن تیتیر زشت را می‌زند که دانی دانم! پس این روزنامه‌نگار هم دقیقاً عین همان متخلف اقتصادی و جاسوس سیاسی و فتنه‌گر امنیتی، ضدسیستم است، نه برآمده از سیستم! حتی آنکه برای لاپوشانی پاره‌های توافق خود، آیات الهی را تفسیر غلط می‌کند و بی‌خود و بی‌جهت، مایه از توافقات پیامبران می‌گذارد که ربطی به این سیستم ندارد، ولو آنکه مقام کذا را داشته باشد! البته در همیشه تاریخ انبیا، زیاد بوده که دشمن، خلف وعده کند اما کدام پیامبر، شعارش هنگام مواجهه با دشمن، این بود که «هر توافقی ولو توافق بد، از عدم توافق بهتر است»؟! بعضی‌ها فکر می‌کنند ما هم عین خودشان ساده‌لوحیم! نه! ما حواس مان به حرف‌هایی که می‌زنیم، هست! و سخن مان با حضرات این است که اتفاقاً اگر دنیای بهتری می‌خواهید، مبدا فریب وعده گندم ری را بخورید! پس کرپلای هم درس این بود که «هیئات منالذله» و هم درس این است که تو وقتی خود را پیش دشمن، دلیلی کنی و حتی خود با دست خود بر سر خود سیمان بریزی، باز هم «بزید» همان بوزینه‌باز عهدشکنی هست که بودا این تو بودی که ساده‌لوحانه فکر می‌کردی با کمی بزک، شیطان بدل به آدم می‌شود! اما «حاج حسین و پسران» همان راه را رفتند که علمدار کرپلای رفت! سردار شهید حسین همدانی تقریباً همه ۸ سال دفاع مقدس را چپه بود اما «پروورش یافته سیستم» به ستین کهولت و پیری هم که پا بگذارد، تازه

می‌شود «حبیب»! حبیب امنیت کشور و تازه می‌شود مربی! مربی محسن حججی‌ها! پس ما وقتی از «محسن حججی» سخن می‌گوییم، تنها از یک جوان متولد سال ۷۱ حرف نمی‌زنیم که شهادتش دارای بار حماسی مضاعف بود! فی الواقع داریم سخن از پیشکسوتانی هم می‌گوییم که این راه سرخ را و این مسیر رهایی‌بخش را پیش پای نسل جوان گشودند! سردارانی چون همین حاج حسین همدانی! من اما این سردار شهید را به دلیل جالبی، بیشتر هم دوست می‌دارم! سالیانی بود که برخلاف روزگار ۸ سال جنگ، به زندگینامه هر شهیدی نگاه می‌کردیم، متوجه می‌شدیم بعضاً ۱۰ سال از ما دهه شصتی‌ها، کوچک‌ترند! و مدام حسرت را حتی حسادت که نکند عمر بگذرد و از کاروان خوبان، جا بمانیم! لیکن شهادت سردار همدانی، باز ما را برد به همان شهادت‌های دهه ۶۰ و اینکه شهدا را علی‌الدوام در سن و سالی بزرگ‌تر از سن و سال خود می‌دیدیم! اغلب همسن پدران ما! برای فهم بهتر متن، پرسش می‌کنم: مخاطب! سال ۷۱ که شهید حججی به دنیا آمد، چند سال داشتی؟! می‌بینی؟! چیدن شهدا از آخر مجلس را می‌بینی؟! نسل جدید شهدا را می‌بینی؟! و اما همدانی با ۶۵ سال سن به شهادت رسید تا امثال من و تو، امیدوار باشیم هنوز! و نگاه که می‌کنم کسانی که خسته شدند و برپنداد! یکی در منازل اول! یکی در منازل آخر! یکی به واسطه دنیا! یکی به واسطه پول! یکی به واسطه زن و زندگی! یکی به واسطه وعده دشمن! یکی به واسطه ساده‌لوحی! اما حقیقت آن است که «قاسم بن الحسن» را باید به پای «حسین» نوشت! و «ما رأیت الا جمیلاً» عقیده بنی‌هاشم را باید به پای «حسین» نوشت! و «علی اکبر» را و «علی اصغر» را! و صدالبته که «عباس» را! «عمر سعد» همان به بیخ ریش لابد اتو کشیده اما بی‌ریشه خودش بماند!

سوار بر موج نمادها؛ زوال از پس نمودها!

وضعیتی هولناک که هر کس را از ترس مرگ به تب راضی نگه می‌دارد. حال با نظر به چنین نمادسازی‌هایی می‌توان قیاس‌های اخیر رسانه‌های دولتی پیرامون اصلاحات اجتماعی عربستان (به‌عنوان نمادی از منت‌پالیه تاجر) با اتفاقات چند ماه اخیر حوزه زنان به طور عام و مساله «استادیوم» به طور خاص را بررسی‌ای اجتماعی کرد. فارغ از هر گونه قضاوت پیرامون صواب و ناصواب بودن عدم اجازه حضور به بانوان جهت تماشای فوتبال مردان آنچه مشهود و قطعی است عدم تمایل دستگاه‌های مختلف بویژه خود دولت بر چنین رخدادی است. هر چند معاون اول رئیس جمهور در سخنرانی چند هفته قبل خود با گلایه از این مساله گفته بود: «عده‌ای جلوی ورود زنان به استادیوم را گرفتند. فکر کردید کار خوبی انجام دادید؟ حضور زنان در ورزشگاه‌ها یک خواسته است.» اما همه بخوبی می‌دانند مخاطب این سخنان مراجع تقلیدی بودند که در چند سال اخیر نظر مخالف خود را با این مساله بارها اعلام کرده‌اند و معاون سابق امور زنان ریاست جمهوری نیز مخالفت مراجع عظام را عاملی دانست که باعث شد تا دولت از پیگیری امر منصرف شود ولی در این میان کیست که نداند عمل نکردن به توصیه‌های مراجع امری مرسوم در دولت تدبیر و امید بوده است که اگر اینگونه نبود گلایه جمعی و مکرر مراجع عظام در باب مسائل بانکی کشور و روی خواندن بسیاری از سازوکارهای آن با واکنش تند نمایندگان دولت مواجه نمی‌شد و در نهایت این مساله نیز مسکوت نمی‌ماند. چه آنکه این مساله هم جزو دوگانه‌های رفتاری رئیس جمهور است، همچنانکه در پشت تریبون در دفاع از رفع حصر صحبت می‌کند و در شورای امنیت ملی موافق حصر است و آن را تأیید می‌کند! آنچنانکه می‌توان دولت را سوار بر نمادهایی دانست که نمود واقعی آنها کیلومترها با نماد دولتی آن متفاوت است. واقعیت آن است که نحوه برجسته شدن مساله استادیوم رفتن بانوان در رسانه دیدار ایران - سوریه از سازوکاری کاملاً دولتی جرقه خورد و آغاز مساله از زمانی بود که سامانه دولتی فروش اینترنتی بلیت‌های

فرماندهی معزز کل قوا (مجلسد العالی)

هیچ سازمان و نیرویی به اندازه ناچار در مقابل چشم مردم قرار ندارد و بر همین اساس "توانایی، قدرت، اقدام به موقع و رشادت" این نیرو مایه افتخار و سربلندی نظام است.

هفته ۱۴ تا ۲۰ مهر / سازمان عقیدتی سیاسی ناچار